

ترجمه و تلخیص از تاریخ ترك تالیف نامق اورغون

به کوشش عبدالقادر آهنگری



اوغوزها

(ترکان غز)

کتیبه‌های اورهون که مربوط به گوک ترکها است ، اهمیت ترکان غز را نشان می‌دهند . درین کتیبه‌ها عبارت « در مقابل اقوام غز در جنوب » را می‌خوانیم .

از این عبارت چنین نتیجه می‌گیریم که اوغوزها در آن زمان در جنوب سرزمین گوک ترکها سکونت داشتند . می‌توان گفت که ترکان غز در سواحل رودخانه‌های « تولا » و « سلنگا » سکونت داشتند و یک قرن بعد بین دریاچه آرال و دریای خزر مستقر گردیدند . غزان که در این اراضی ، گله‌های بزرگ را پرورش می‌دادند به فروختن این حیوانات به همسایگان خود مشغول بودند . مورخین عرب خوشمزه بودن گوشت گوسفندانی را که از دیار غز آورده می‌شد ، در آثار خود ثبت کرده‌اند .

دست‌هایی از غزان یعنی دست‌هایی که در شمال دریای خزر سکنی داشتند ، با پچنک‌ها که در مغرب آنان بودند همسایه شدند . این دست‌ها نتیجه نبردهایی که با پچنک‌ها کردند به تدریج به سوی غرب پیشروی کردند و این پیشروی تا تراکیه و مقدونیه ادامه یافت و دست‌هایی دیگر نیز از جنوب دریای خزر به آناتولی رسیده و حکومت‌های مقتدری تشکیل داده‌اند .

بنابراین اوغوزها دو سفر بزرگ کردند . یکی از شمال دریای خزر ، از سواحل دریای سیاه به بلغارستان ، تراکیه و دیگر از جنوب دریای خزر به ایران و آناتولی .

ترکان غز را منابع ییزانسی UZ و منابع روسی Tork نوشته‌اند . که از اولی نام « اوغوز » و از دومی « ترك » بوجود آمده است .

غزانی که با پچنک‌ها و خزرها همسایه بودند ، در سال ۸۸۹ م ، با خزرها متحد شده به پچنک‌ها حمله بردند ، در این حمله پچنک‌ها که یاری مقابله نداشتند بناچار به سوی غرب مهاجرت کردند و غزان نیز متعاقب این پیروزی حوالی ولگا را اشغال کردند .

در سال ۱۰۶۵ غزان با اهل و عیال خود از دانوب گذشتند و به حملاتی در اطراف آن پرداختند . برای جلوگیری از هجوم ایشان ، « نیکه فوروس بوتونیاتس » و « بازیلیوس آپوکاپی » سرداران ییزانس به مقابله پرداختند ولی آنها نیز شکست یافته اسیر گشتند . تعداد ترکان غز درین حمله ۶۰ هزار نفر بوده است .

پس از مغلوب و پراکنده کردن سپاهیان ییزانس ، تا سالونیک پیشرفته با هیچ مقاومتی مواجه نشدند . ضمن بدست آوردن غنایم فراوان دسته دسته در نقاط مختلف مقدونیه و یونان پراکنده شده مانند سابق از دانوب به وسیله قایق و کشتی گذشته به بلغارها هجوم بردند ، شکست بلغارها دنباله شکست ییزانسی‌ها بود . بدین ترتیب هیچ مانع و رادعی در مقابل آنان باقی نمانده بود . درین اوضاع و احوال غزان در هر گوشه از مملکت ییزانس پراکنده شده و با فراغ بال به غارت پرداختند . اما با فرارسیدن زمستان وضع آنان

مشکل و مشکل‌تر می‌شد. در اثر سرمای مدحش زمستان که نمی‌توانستند غنایمی را که به‌چنگ آورده بودند با خود حمل کنند ناچار شدند که آنها را بگذارند و بروند.

کنستانتینوس دوکس امپراطور بیزانس که طرز هجوم غزان را شنیده بود، جرأت نکرد که از فرصت استفاده کرده با آنان بجنگد. بدینجهت می‌خواست به این مسئله با صلح خاتمه دهد. درحقیقت بیزانسی‌ها چنین عقیده داشتند که غزها را نمی‌توان با جنگ مغلوب کرد. بدینجهت دوکس به دسته‌هایی که زودتر به قلمرو اورسیدند هدایایی تقدیم داشته آنها را طرفدار خود نمود و چند تن از رؤسای ایشان را هم با خود همدست نمود. لیکن اکثر غزان رشوه قبول نکرده به حملات خود ادامه دادند.

اما درین هنگام یکنوع بیماری مسری در میان غزان شیوع یافت و در نتیجه این بیماری مهلك بی‌اندازه ضعیف گردیدند. پچنگ‌ها و بلغارها که این وضع را دیدند فرصت را مغتنم شمرده برای از بین بردن آنها به‌سویشان حمله بردند.

پس از این شکست دسته‌یی از غزان به زحمت موفق شدند که پس از گذشتن از دانوب به سرزمین خود برگردند. دسته‌یی دیگر از آنها که در حوالی «زورولوس Tzurulus» در چادرهای خود می‌زیستند، مورد هجوم بیزانسی‌ها قرار گرفته متفرق گشتند. آن دسته از ترکان غز که موفق به مراجعت به سرزمین خود نگردیدند، تبعیت از امپراطور بیزانس را قبول کردند. امپراطور نیز آنان را در مقدونیه جای داد.

بیزانسی‌ها از این قوم جنگجو برای تقویت نیروی خود استفاده می‌کردند و به‌منظور رقابت با سلجوقیان آسیای صغیر، تمام ترکان غز را که در سرزمین بیزانس بودند، زیر سلطه خود درآوردند. غزان نمی‌دانستند طرف جنگ آنها يك قوم و حتی آنها از ریشه غز باشد. بمحض اینکه این موضوع را فهمیدند، برای متحد شدن با سلجوقیان تردیدی به خود راه ندادند.

قبایل و تشکیلات ترکان غز :

یکی از دانشمندان مجار که در باره وجه تسمیه اوغوز تحقیق کرده این کلمه را مرکب از اوق + ز (اوقوز) می داند . در ترکی قدیم « اوق » به معنای قبیله است . و (لی) علامت نسبت اواولی (اغولی) در شیراز کوچه - ایست به نام کوچه آغولی ، و با همین املا در قدیم نوشته اند که قبایلهای شرعی و عرفی واحکام حکام همه اقولی (اواولی) را « اغولی » ثبت کرده اند . و « ز » نیز در ترکی قدیم به عنوان علامت جمع بکار رفته است . بنابراین اوغوز (اوقوز) به معنی قبیله هاست . در آن صورت می توان قبول کرد که آنان از ترکیب قبایل مختلف به وجود آمده اند . افسانه اوغوز نیز عبارت بودن ایشان را از ۲۴ قبیله به وضوح نشان می دهد .

به نظر می رسد که این ۲۴ قبیله ای افسانه ای اوغوز ، نوادگان اوغوزخان باشد . طبق افسانه ، اوغوزخان دولتی به نام خود تأسیس کرده بود . در زمان اقتدار ، شش پسر خود را روانه شکار نمود که البته این برادران به دو قسمت شدند و هر دسته به سوی رفتند .

يك دسته (سه برادر) يك تیر طلایی و دسته دیگر (سه برادر دیگر) سه کمان طلایی پیدا کردند . اوغوزخان پسرانش را طبق یافته های شان بدو قسم نمود . بزرگترین برادران هر دسته را « یوزاق » و کوچکترین برادران هر دسته را « اوچ اوق » نامید .

اوغوزخان شش پسر به نامهای : گون ، آی ، یلدز ، گوک ، داغ و دنکیز داشت که هر کدام از آنها نیز چهار پسر داشتند . ترکان غز در همان زمان به جای یوزاق و اوچ اوق ، ایچ اوغوز و طاش اوغوز را نیز بکار برده اند . نام همه پسران اوغوزخان نامهایی است که از طبیعت گرفته شده . این نامها مربوط به زمانی است که آنان در آن موقع طبیعت پرست بوده اند . مدارکی نیز هست که بموجب آن ترکان آسمان ، زمین و آب را می پرستیدند .

تمناهای قبایل اوغوز متنوع بوده است . این تمناها در اثر محمود کاشغری و در دیگر کتب نیز قید شده است . اینها یکدسته اشیایی مانند تیر ، کمان

و تبر بوده اند .

در زمان تشکیلات ششگانه : هر قبیله دارای يك حيوان مقدس یعنی توتم بودند. آنان بجای لفظ توتم ، کلمه اونقون را که بهمان معناست استعمال کرده اند ، اونقون شش قبیله ازینقرار بود :

گون خان = شاهین

گول خان = سنقر

آی خان = قرتال (عقاب)

داغ خان = چاقر

بلدزخان = تاوشانجل (نوعی عقاب)

دنکیزخان = اوج قوش

این پرندگان شکاری ، توتم پرستی غزان را در دورانی که از شکار روزگار می گذراندند و درمیان ایشان پیدا شده ، نشان می دهد .

ترکان غز در روزی معین از سال ، جشنی برپا می ساختند . درین جشن رؤسای تمام طوایف غز جمع می شدند . در ضیافت قربانی می کردند و رئیس قبیله طی مراسمی از جای بخصوص این قربانی میل می فرمود .

اوغوزنامه :

به کتابی که حاوی افسانه های اوغوز باشد « اوغوزنامه » می گویند . طبق وقایعی که در باب اوغوزنامه ها امروزه در دست داریم ، می توانیم درباره مضمون و ماهیت آن اظهار نظر کنیم . مؤلفینی هستند که اوغوزنامه ها را دیده و در باب آن اثر ، معلوماتی داده و از آن نقل هایی کرده اند .

کتاب دده قورقوت نیز قسمتی از اوغوزنامه می باشد . اولین کسی که در باب اوغوزنامه بحث و از آن نقل کرده ابوبکر مورخ مصری می باشد . این مورخ که در زمان سلطنت سلطان محمد قلاوون می زیست ، در اثر خود از ترجمه عربی اوغوزنامه بحث کرده و افسانه های را نیز از آن نقل می کند. از مندرجات اوغوزنامه که به خط اوینوری است و از زمان اوغوزخان بحث می کند اکنون در کتابخانه ملی پاریس موجود است. این متن برای اولین بار توسط «ردلف» و بعد از او «رضانور» و بعدها به وسیله «بانگ» و «رحمتی» شناسانده شد.